

ORIGINAL ARTICLE

Relationships and How Interactions Between Spirituality and Economic Growth in the Capitalist Literature

*Javad Arbab¹, Seyed Reza Hoseini²

1. Graduated with a PhD in Islamic Economics from the Research Institute of Hawzah and University
2. Associate Professor of the Department of Economics of the Research Institute of Hawzah and University

Correspondence

Javad Arbab
Email: javadarbab@rihu.ac.ir

How to cite

Arbab, J., & Hoseini, S. R. (2023). Relationships and How Interactions Between Spirituality and Economic Growth in the Capitalist Literature. *Economic Growth and Development Research*, 13(51), 29-44

ABSTRACT

The focus of the development policies of the capitalist economy on axial growth has seriously influenced the various approaches of spiritualism; Apart from the initial motivations for controlling the dangers of violent desires in promoting capitalist thought, the spread of emerging spiritualities, as well as the ever-increasing changes in the conceptual structure of spirituality, provided a good platform for turning spirituality an important tool for capitalist goals. Is; Among these, the nature and manner of the interrelationships between spirituality and economic growth, as well as how they affect each other, are essential elements for understanding and analyzing the capitalist economy. In this article, by examining and analyzing the documents related to spiritualist approaches in the capitalist literature, the relations between them as well as the effect of spirituality and economic growth were explained. Accordingly, it became clear that growth-oriented policies in the capitalist literature, on the one hand, by abusing the personalized concepts of spirituality, provide the necessary basis for the commodification of spiritual elements and pursue human spiritual excellence through profit-oriented path. The pursuit of ostentatious consumption and the use of wealth to demonstrate power and superiority over the lower classes has turned capital not as a means of promoting social spirituality but as a means of domination. contexts and evidence in the geography of the capitalist system. The results show that each of the elements of spirituality and growth independently exert significant effects on each other.

KEYWORDS

Capitalist Economy, Development, Economic Growth, Pretentious Consumption, Spirituality.

فصلنامه علمی

پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی

«مقاله پژوهشی»

روابط و نحوه اثرپذیری متقابل معنویت و رشد اقتصادی در ادبیات سرمایه‌داری

جواد ارباب^۱، سید رضا حسینی^۲

چکیده

تمرکز سیاست‌های توسعه در نظام سرمایه‌داری بر رشد اقتصادی، رویکردهای گوناگون معنویت‌گرایی را تحت‌تأثیر جدی خود قرار داده است؛ سوای انگیزه‌های اولیه کنترل‌کننده مخاطرات در ترویج اندیشه سرمایه‌داری، گسترش معنویت‌های نوظهور و تغییرات روزافزون ایجاد شده در ساختار مفهومی معنویت، بستر مناسبی برای تبدیل معنویت به ابزاری مهم برای اهداف نظام سرمایه‌داری فراهم ساخته است؛ در این میان ماهیت و چگونگی روابط متقابل میان معنویت و رشد اقتصادی و نیز نحوه اثرپذیری آنها از یکدیگر، از عناصر ضروری برای شناخت و تحلیل اقتصاد سرمایه‌داری به شمار می‌رود. در این مقاله با بررسی و تحلیل اسناد ناظر به رویکردهای معنویت‌گرا در ادبیات سرمایه‌داری، روابط فی‌مابین و نیز نحوه تأثیرات متقابل معنویت و رشد اقتصادی تبیین شد. براین اساس مشخص شد، سیاست‌های رشد محور در ادبیات سرمایه‌داری، چگونه با سوءاستفاده از مفاهیم شخصی‌سازی شده از معنویت، بستر لازم برای کالاسازی عناصر معنوی را فراهم و تعالی روحانی بشر را از مسیر سود محوری دنبال می‌کند. تلاش برای مصرف تظاهری و استفاده از ثروت برای نشان دادن قدرت و برتری بر طبقات پایین‌تر، سرمایه را نه به‌عنوان ابزار ارتقای معنویت اجتماعی بلکه به‌مثابه ابزار سلطه تبدیل کرده است. این امر تحریف معنویت از مفاهیم دینی و آسیب‌های مضاعف بر کیفیت و کمیت رشد اقتصادی را به‌دنبال داشته است. در این پژوهش نحوه اثرپذیری متقابل معنویت و رشد اقتصادی با توجه به مفاهیم، کارکردها، بسترها و شواهد موجود در جغرافیای نظام سرمایه‌داری به‌صورت مجزا مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد هر یک از عناصر معنویت و رشد، به‌صورت مستقل اثرات معنی‌داری را بر یکدیگر اعمال می‌کنند.

واژه‌های کلیدی

اقتصاد سرمایه‌داری، توسعه، رشد اقتصادی، مصرف تظاهری، معنویت.

۱. دانش آموخته دکتری اقتصاد اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۲. دانشیار گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

نویسنده مسئول:

جواد ارباب

رایانامه:

javadarbab@rihu.ac.ir

استناد به این مقاله:

ارباب، جواد و حسینی، سید رضا. (۱۴۰۲). روابط و نحوه اثرپذیری متقابل معنویت و رشد اقتصادی در ادبیات سرمایه‌داری. فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی،

۱۳(۵۱)، ۴۴-۲۹.

https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article_9051.html/

۱- مقدمه

از دوره پیدایش مرکانتیلیسم^۱ تا دوران معاصر، نظریات بسیاری تلاش کرده‌اند تا افکار و اندیشه‌های خود برای آنچه امروزه توسعه خوانده می‌شود ارائه کنند. رشد اقتصادی، و به‌طور کلی توسعه اقتصادی، به دلایل متعددی زمینه‌ای هیچان‌انگیز برای مطالعه است. هنوز پرسش‌های بی‌پاسخ و چالش‌های زیادی وجود دارد که فعالیت‌های فکری بسیاری را به بدن مشغول ساخته است؛ به‌علاوه توسعه اقتصادی تنها در مورد رشد تولید کل مطرح نیست، بلکه در مورد دگرگونی اساسی یک اقتصاد، از ساختاربخشی، تا ترکیب جمعیتی و جغرافیایی، و شاید مهم‌تر از آن، به کل بافت اجتماعی و نهادی مربوط می‌شود. این فرایندها به‌طور طبیعی نیاز به رویکرد بسیار جامع‌تری برای رشد و توسعه اقتصادی نسبت به بسیاری از حوزه‌های دیگر اقتصاد دارند (اوغلو^۲، ۲۰۱۲: ۵۴۵).

با این حال خط فکری غالب نظریات موجود را می‌توان در تلاش برای کشف، توضیح و بیان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی و در نهایت ارتقای کمی رشد دنبال کرد. در اقتصاد سرمایه‌داری کوشش گسترده برای توضیح رفتارهای خرد و کلان، ندها، سنجش‌ها و تحلیل‌های موجود، حول محور رشد پولی و مالی کاملاً مشهود است.

آسیب‌شناسی نگاه ایزاری نظام سرمایه‌داری به معنویت و شناخت تأثیر و تأثرات موجود میان معنویت و اقتصاد، علاوه بر پدیدار کردن حقایق جهان معاصر، کمک شایانی در پیشگیری از زیان‌های جبران‌ناپذیر به بشریت خواهد کرد. بر همین اساس، مسئله اصلی مقاله حاضر، چگونگی روابط و نحوه اثرپذیری متقابل معنویت و رشد اقتصادی در اقتصاد سرمایه‌داری است؛ از آنجایی که ساختار و شاکله دینی و مذهبی جغرافیای ادبیات اقتصاد سرمایه‌داری تحت تأثیر آموزه‌های مسیحیت شکل گرفته است، عناصر معنوی حاکم بر جوامع مذکور مستقیماً متأثر از تحولات مسیحیت بوده است. از این رو مقاله حاضر برای بررسی روابط متقابل معنویت و رشد اقتصادی در ادبیات سرمایه‌داری بر مفهوم و سیر تحولات معنویت برخاسته از مسیحیت متمرکز خواهد بود. براین اساس پس از بیان پیشینه بحث، ضمن ارائه رویکردهای رایج به معنویت در ادبیات سرمایه‌داری، دیدگاه‌های موافق و

مخالف رویکرد رشد محور را بیان کرده و سپس با تحلیل دیدگاه‌های مطرح، ارتباط و اثرپذیری متقابل معنویت با رشد اقتصادی را در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد؛

۲- پیشینه

تیلیچ^۳ در کتاب خود با عنوان «وضعیت معنوی در جامعه تکنولوژیک ما^۴»، با ارائه برخی شواهد و تحلیل داده‌های تاریخی، به بررسی تغییرات ناشی از توسعه فناوری‌ها و روند رشد محور در جریان اقتصادی جوامع بر میزان معنویت جوامع عمدتاً مسیحی می‌پردازد و معتقد است سه عامل قدرتمند بر معنویت دینی در جغرافیای غرب اثرگذار بوده است: ورود ریاضیات در علوم تجربی، تکنولوژی و اقتصاد سرمایه‌داری؛ وی با تشریح وضعیت به وجود آمده برای بشر امروزی به‌عنوان یک فرد در مسیر توسعه سیاست‌های رشد محور و به‌ویژه گسترش بدون قیدوبند فناوری، ایجاد یک الگو برای زندگی بشر در چارچوب شهرهای صنعتی را بلای خانمان سوزی برای تضعیف معنویت دینی (مسیحی) می‌داند (تیلیچ، ۱۹۸۸: ۷).

لیو^۵ در مقاله‌ای با عنوان «اندازه‌گیری سرمایه معنوی به‌عنوان یک متغیر پنهانی» سرمایه معنوی را این‌گونه تعریف می‌کند: "قدرت یا مزیتی که در قلمروهای مادی، فکری و اجتماعی ریشه ندارد"؛ به اعتقاد وی هر فرد از دارایی‌های معنوی برخوردار است. وی بیان می‌کند می‌توان داشته‌های معنوی را مشاهده و برای آن شاخص‌های خاصی ارائه کرد. شاخص‌ها از سه مشرب اعتقادی، علمی و رفتاری قابل استخراج است. در پژوهش وی صداقت، پاسخگو بودن، امید دادن، وفادار بودن، قابل‌اعتماد بودن، دوست داشتن و تشویق دیگران و محبت به‌عنوان شاخص‌های ایجابی و فساد و تقلب به‌عنوان نمونه‌ای از شاخص‌های سلبی برای سرمایه معنوی است (لیو، ۲۰۰۳: ۹).

بارو^۶ در مطالعه‌ای با عنوان «مذهب و رشد اقتصادی^۷» با بررسی ۵۷ کشور از ادیان و مکاتب گوناگون و استفاده از

3. tillich
4. The Spiritual Situation in Our Tecnichal Society
5. Liu
6. Barro
7. Religion and Economic Growth

1. Mercantilism
2. Acemoglu

پاسبانی و متوسلی در مقاله‌ای با عنوان «مصرف تظاهری در آرای تورستین و بلن و موضوع پس‌انداز» با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی نشان می‌دهد که چگونه رفتارهایی از جمله مصرف تظاهری، اهدافی فراتر از تفاخر را محقق کرده و موجب حفظ فواصل گروه‌ها و تعمیق آنها می‌شوند، به طوری که گروه‌های مسلط جامعه با ترویج این نوع ویژگی‌ها و تبدیل آنها به عادات، سایر گروه‌ها را به دنبال خود کشانده و با ایجاد مانع برای شکل‌گیری پس‌انداز به‌عنوان سد راه توانمندی اقتصادی برخی گروه‌ها مطرح می‌شوند (پاسبانی و متوسلی، ۱۳۹۱: ۲۳۸).

کلوگستون^۴ در پژوهشی با عنوان «منشور زمین، معنویت و توسعه پایدار»^۵ معنویت را یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار برمی‌شمارد و دستیابی به شاخص‌هایی چون آموزش، سلامت، محیط‌زیست سالم و... را بدون برخورداری از معنویت قابل دستیابی نمی‌داند. نویسنده باتکیه بر عناصر معنوی مطرح در چارچوب مسیحیت، با توضیح برخی از نتایج و داده‌های آماری یادآور می‌سازد مسیر کسب پیشرفت اقتصادی از مسیر پیشرفت در معنویت جداشدنی نیست و غفلت از این نکته هزینه‌های بسیاری داشته است (کلوگستون، ۲۰۱۳: ۱۶۹).

۳- چارچوب مفهومی رشد اقتصادی

رشد اقتصادی به افزایش مادی کل درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی یک جامعه طی یک دوره معین است و در مفهوم کلی به «افزایش کمی تولید در یک دوره مشخص نسبت به دوره مشابه» اطلاق می‌شود (تودارو^۶، ۱۳۸۷، ۱۱۷-۱۱۶). از نرخ رشد اقتصادی برای اندازه‌گیری و مقایسه وضعیت یک اقتصاد با گذشت زمان استفاده می‌گردد که معمولاً به صورت سه‌ماهه و سالانه تهیه و گزارش می‌شود^۷. در سال‌های اخیر به سبب افزایش انتقادات بر سیاست‌های رشد محور تلاش‌ها برای تحول مفهوم رشد اقتصادی به مفاهیمی چون رشد سبز^۸، رشد پایدار و حتی تفکیک رشد مفید و غیرمفید رو به

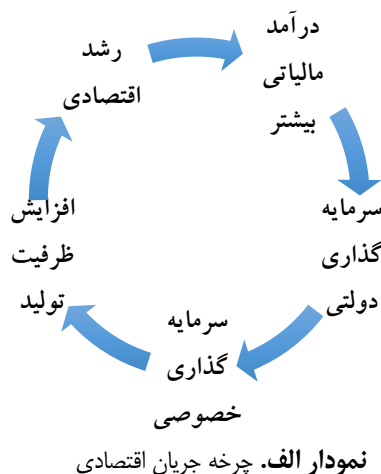
برخی از معیارها به‌عنوان نماد کیفی و کمی وضعیت دینی آنها، با روش پنل دیتا و بهره‌مندی از تخمین و آزمون‌سنجی، بیان می‌کند با کاهش رشد اقتصادی، شاخص‌های دینی در کشورهای مورد مطالعه اغلب با افت مواجه بوده است. به‌عنوان مثال، وی در مشاهدات تجربی خود به این نتیجه رسیده است که شاخص‌های مذهبی با تحصیلات رابطه مثبت و با میزان شهرنشینی رابطه منفی دارد یا هر چه شاخص‌های امید به زندگی افزایش داشته است، حضور کلیسا با روند کاهش مواجه بوده است. وی در این مطالعه تصریح می‌کند که پژوهش وی و همکارانش تنها مقدمه‌ای برای بررسی کمی شاخص‌های تعیین شده برای معنویت و رشد اقتصادی است و برای تبیین رابطه رشد اقتصادی و معنویت زوایای پنهان بسیاری وجود دارد (بارو، ۲۰۰۳: ۲۸).

هیرشمن^۱ در «کتاب هواهای نفسانی و منافع» با بازخوانی برخی متون اصلی و اولیه سرمایه‌داری، کوشش کرده است تا نشان دهد چگونه «منافع» در مقابل «هواهای نفسانی» نقش خنثی‌کننده به خود گرفته است. اثر وی را می‌توان تاریخچه‌ای برای نحوه شکل‌گیری سرمایه‌داری دانست. وی نگاهی متفاوت نسبت به مارکس و وبر نسبت به شکل‌گیری سرمایه‌داری دارد و با استناد با بررسی آرا و نظرات منتسکیو و سر جیمز استوارت، از اهمیت تاریخی موضوع مورد بحث کتاب درس‌های آن برای شناخت بهتر وقایع معاصر نظام سرمایه‌داری را تبیین می‌کند (هیرشمن، ۱۳۷۹: ۱۶۵-۱۶۰).

باترورث^۲ در کتاب «علم اقتصاد معنوی»^۳، شواهدی ذکر می‌کند که نشان می‌دهد نگرش مادی به‌هیچ‌عنوان نخواهد توانست بشریت را به رفاه حقیقی برساند. از دیدگاه وی برخی نهادهای اقتصادی مانند پول، بانک، نهادهای مالی موجب شده تا انسان‌ها به نحوی به زندگی خود بنگرند که گویی دائم در معرض مشکلات و سختی و فلاکت و فقر قرار دارند. این مشکل بدون لحاظ‌کردن جدی خدای متعال به‌عنوان هستی‌بخش در قاموس فکری آنها بدون حل باقی می‌ماند. وی از فرایندی که تلاش کرده در کتاب خود بر اساس آموزه‌های مسیحیت تدوین کند، با تعبیر «علم اقتصاد معنوی» یاد می‌کند (باترورث، ۲۰۱۱: ۱۵).

4. Clugston
5. The Earth Charter, Spirituality and Sustainable Development
6. Todaro
7. www.investopedia.com
8. Green growth

1. Hirschmann
2. Butterworth
3. Spiritual Economics



از این‌رو همواره نسبت به سیاست‌های رشد محور، اهمیت و اولویت‌بخشی خاصی وجود دارد و تصور می‌شود هدف‌گذاری رشد اقتصادی مزایایی چون تقویت جایگاه بین‌المللی، افزایش امکان مصرف، سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی و کاهش بیکاری را به دنبال خواهد داشت. در مقابل از تورم، کسری حساب‌های جاری (اسلومن^۶، ۲۰۰۱: ۶۲۲)، افزایش نابرابری درآمدی و هزینه‌های اجتماعی (تودارو و اسمیت^۷، ۲۰۱۱: ۳۸۰) به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌ها و زیان‌های ناشی از سیاست‌های رشد محور یاد می‌شود. به‌عبارت‌دیگر تمرکز بر سیاست‌های رشد، دو نوع پیامد متمایز را به دنبال دارد. به‌عنوان نمونه رشد اقتصادی و بهره‌وری بالاتر، در نهایت با خلق درآمد بیشتر افراد را قادر می‌سازد تا کمتر کار کنند و فراغت بیشتری داشته باشند اما نتیجه این برای همه اقشار جامعه صادق نیست. زیرا غالباً در فرایند سرمایه‌داری، نتیجه کار افراد متوسط و ضعیف عاید افرادی می‌شود که آورده اولیه بالاتری داشته‌اند و از قبل از سطح فراغت خوبی برخوردار بوده‌اند^۸.

به‌رحال علی‌رغم علنی شدن آسیب‌ها و هزینه‌های متعدد سیاست‌گذارهای رشد محور، بررسی استراتژی ۱۳ اقتصاد بزرگ، همچنان اهداف سیاستی زیر را به‌عنوان اولویت‌های سیاستی کلان در برنامه‌های بالادستی نشان می‌دهد:

۱- کارآمدی دولت، ۲- ارتقا سطح سرمایه‌گذاری، ۳- انتقال دانش و فناوری، ۴- رقابت و تحول ساختاری، ۵- بهبود بازار

افزایش است اما مفهوم مذکور از رشد اقتصادی کماکان اصلی‌ترین مفهوم مورد استفاده است.

معنویت در ادبیات اقتصاد سرمایه‌داری

در سال ۲۰۰۳ مؤسسه متانکسوس^۱ و بنیاد تمپلتون^۲ به با تأسیس نهادی با عنوان «مؤسسه تحقیقاتی سرمایه معنوی»، پس از قراردادن مبلغ ۳۰۷۵ میلیون دلار برای ایجاد یک زمینه پژوهشی میان‌رشته‌ای سرمایه معنوی در علوم اجتماعی و با تأکید ویژه به روابط مرتبط با مسائل اقتصادی، در نهایت پس از جمع‌بندی‌های صورت‌گرفته تعریف سرمایه معنوی را این‌گونه ارائه کردند: «اثرات رویه‌های مذهبی، اعتقادات، شبکه‌ها و نهادهایی که تأثیر قابل‌اندازه‌گیری نسبت به افراد، انجمن‌ها و جوامع دارند^۳». در دهه اخیر نیز این نگرش در فضای اقتصادی توسط افرادی چون رابرت فوگل^۴، و حتی در فضای سیاسی توسط جان دی‌یولی^۵ مورد استفاده قرار گرفته و تبدیل به تعریف رایجی در ادبیات سرمایه‌داری شده است از این‌رو می‌توان مفهوم مذکور را به‌عنوان یکی از مفاهیم مورد اتفاق مورد استناد قرارداد.

محوریت رشد در اقتصاد متعارف

اهمیت رشد اقتصادی در اهداف، اجزاء و روابط موجود در الگوهای اقتصاد متعارف بسیار مشهود است. می‌توان این امر را حول سه عنصر تقویت عوامل مولد رشد بیشتر، رفع موانع رشد اقتصادی و بررسی علل تفاوت‌های پدیدآمده در سرعت رشد اقتصادی الگوهای رقیب مشاهده کرد. در ادبیات اقتصاد متعارف رشد اقتصادی عنصری مؤثر از چرخه جریان اقتصادی محسوب می‌شود که خود عامل و محصول عنصری چون درآمدهای مالیاتی، سرمایه‌گذاری‌ها و بهبود شرایط تولیدی است.

1. Metanexus
2. Templeton
3. www.metanexus.net/archive/spiritualcapitalresearchprogram/about_overview.asp.html Accessed 27 Sep. 2012. (own emphasis).
4. Robert Fogel
5. John DiIulio

6. Sloman

7. Todaro and Smith

8. <https://www.britannica.com/topic/economic-growth>

کار، ۶- توسعه صادرات و سیاست صنعتی، ۷- مدیریت صحیح نرخ ارز، ۸- ورود سرمایه و تدریج در بازشدن بازارهای مالی، ۹- ثبات اقتصاد کلان، ۱۰- پشتیبانی پس‌انداز از سرمایه‌گذاری، ۱۱- توسعه بخش مالی، ۱۲- سرمایه‌گذاری روستایی و شهرنشینی، ۱۳- برابری فرصت‌ها، ۱۴- توسعه منطقه‌ای، و ۱۵- مدیریت انرژی و محیط‌زیست (میرجلیلی و صفری، ۱۳۹۸: ۲۸۷). همان‌طور که عناوین اهداف کلان سیاستی این کشورها نشان می‌دهد، محوریت رشد اقتصادی به‌عنوان هدف اصلی برنامه‌ها و هدف‌گذاری‌ها کاملاً مشهود است. البته این امر نسبت به اهدافی چون برابری فرصت‌ها و مدیریت انرژی و محیط‌زیست نیز صدق می‌کند چرا که هدف اصلی آنها نیز کمک به ثبات و پایداری رشد اقتصادی است. شواهد مذکور به‌خوبی بیانگر آن است که در ادبیات سرمایه‌داری مسئله معنویت به‌هیچ‌عنوان هدفی اساسی و غایی محسوب نمی‌شود.

معنویت و رشد اقتصادی در اقتصاد متعارف

در سال‌های اخیر عنصر «معنویت» به دلایل گوناگون که در ادامه بدان اشاره خواهد شد، یکی از عناوین مورد مطالعه در ادبیات سرمایه‌داری بوده است. در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری دیدگاه‌های پدیدار شده ناظر به کاربست معنویت یکدست و هم‌نوا نیست؛ می‌توان دو جریان موافق و مخالف را نسبت به کاربست معنویت در دستیابی به رشد اقتصادی مورد رصد قرار داد؛ بدیهی است باتوجه به گستره وسیع اندیشه‌های اقتصادی، آنچه در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد، ناظر به اندیشه‌های موجود در چارچوب فکری اقتصاد سرمایه‌داری است.

دیدگاه موافقان

اغلب دیدگاه‌های موجود در حوزه کاربرد معنویت در اقتصاد متعارف از نگرش ابزاری برخوردارند؛ معنویت به‌عنوان عاملی برای توسعه و رفاه اقتصادی و ابزاری برای رسیدن به رشد بیشتر از مسیری آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است. سرایت نگرش ابزارگرایی^۱ به معنویت در ادبیات اقتصادی با استفاده از پیشوند «سرمایه» برای آن بی‌ارتباط نیست؛ اصطلاح «سرمایه

معنوی^۲» کاربرد رایجی در ادبیات اقتصاد متعارف پیدا کرده است. سرمایه معنوی به‌عنوان مهارت‌ها و تجربیات خاص دینی و آیینی که شامل دانش مذهبی، آشنایی با مراسم و آموزه‌های کلیسا و دوستی با سایر عبادت‌کنندگان است تعریف شده که به افراد برای تولید کالاهای معنوی که در جامعه دارای ارزش مادی هستند کمک می‌کنند (ایاناکون^۳، ۱۹۹۰: ۲۹۷). به‌عبارت‌دیگر سرمایه معنوی به چیزی اطلاق می‌شود که موجب ایجاد سرمایه‌گذاری برای بهبود زندگی و افزایش ثروت، سود، مزیت، نشاط، و قدرت شود. سرمایه‌ای می‌تواند که با ایجاد تغییر در آن شرایط بهتری در شئون مختلف نسبت به گذشته ایجاد کند (پالمر و وونگ^۴، ۲۰۱۳: ۱۰)؛ در این دیدگاه سرمایه معنوی به‌عنوان یکی از اجزاء اصلی تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی محسوب شده و در مدل‌های رشد نقش آفرینی می‌کند. آثار سرمایه معنوی بر رشد اقتصادی از دیدگاه موافقان را می‌توان در قالب مدل رشد سولو^۵ توضیح داد:

در مدل سولو همه بنگاه‌های اقتصادی با استفاده از فناوری تولید یکسانی که سرمایه و نیروی کار را به‌عنوان نهاده می‌گیرد، محصولات خود را تولید می‌کنند. بنابراین، سطح تولید (Y)، سطح سرمایه (K)، و سطح نیروی کار (L) همگی از طریق معادله تابع تولید به هم مرتبط هستند:

$$Y = aF(K, L)$$

مدل رشد سولو فرض می‌کند که تابع تولید بازده به مقیاس ثابت (CRS) را نشان می‌دهد (سولو، ۱۹۵۶:).

کاهش مخاطرات اخلاقی، افزایش عنصر اعتماد، کاهش هزینه‌های خطرپذیری مبادلات و تنظیم قراردادهای، کاهش هزینه‌های بخش عمومی در امور نظارتی و قضایی، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و به تبع آن استفاده از منابع بیشتر مالی در دسترس از پیامدهایی است که برای توسعه سرمایه معنوی در طیف موافقان کاربرد معنویت در ادبیات اقتصادی قابل رهیابی است. البته برخی به اثر منفی آن به‌عنوان جایگزینی زمان و امکانات صرف شده برای امور معنوی به جای سایر سرمایه‌ها (عسگری و توحیدی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۱۷-۱۱۹) نیز اشاره کرده‌اند؛ براین اساس عناصر اثرگذار بر سرمایه

2. spiritual capital
3. Iannaccone
4. Palmer & Wong
5. Solow

1. Instrumentalism

دیدگاه مخالفان

در مقابل نگاه ابزارگرایانه به معنویت، نگرشی وجود دارد که نگاه مستقلی به معنویت داشته و از این رو مخالف کاربردهای موجود در اقتصاد متعارف‌اند. در نگرش استقلالی، معنویت به‌خودی‌خود مطلوبیت دارد و وسیله‌ای برای دستیابی به هدف ثانوی چون رشد، رفاه اقتصادی و ثروت بیشتر مفروض نمی‌شود. این نگرش کارکرد عناصر معنوی در اقتصاد را انکار نمی‌کنند اما از عبارات‌ها و اصطلاحاتی چون "اقتصاد روحانی"، "اقتصاد معنوی"، "اقتصاد مقدس" و "اقتصاد الهی" برای بیان جایگاه مستقل معنویت استفاده می‌کنند.

از نظر مخالفان، تمرکز منحصربه‌فرد بر ارزش‌های اقتصادی و رشد کافی نیست و توجه بیشتری به سلامت، از جمله ابعاد معنوی آن، ضروری است. فقدان گفتمان در مورد نقش دین، معنویت و ایمان در حوزه اقتصاد به نحو جدی احساس می‌شود و شاید برخی از آن به این خاطر دوری کرده‌اند که انگار مشارکت در این مباحث به‌نوعی منجر به بحث غیرعلمی شود (تیدل^۳، ۲۰۰۶: ۲۵۴). از نظر آنها آثار سوء رشد محوری، نشان می‌دهد نگرش مادی به‌هیچ‌عنوان نخواهد توانست بشریت را به رفاه حقیقی برساند و این پول‌گرایی، نادیده انگاشتن داشته‌های فرهنگی و معنوی، کمیاب شمردن منابع خدادادی و بسیاری از عناصر موجود در اقتصاد سرمایه‌داری است که سرچشمه ناکامی بشر در درک صحیح از زندگی و عناصر اقتصادی به شمار می‌رود (استین^۴، ۲۰۱۱: ۴۳۷). از این‌رو مشکلات بسیاری توسط نظام سرمایه‌داری ایجاد شده و این نظام به‌جای حل مشکلات خودساخته، روزبه‌روز بر شدت آن می‌افزاید.

در این دیدگاه هضم ارزش‌های معنوی در رشد‌گرایی، آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری به دنبال دارد که می‌توان به‌عنوان نمونه از تبدیل ارزش‌هایی چون قناعت و صرفه‌جویی الگوهای مصرف تظاهری برای تأمین مصارف غیرضروری و فخر‌فروشانه به‌جای پس‌انداز برای تأمین نیازهای اساسی نام برد (پاسبانی و متوسلی، ۱۳۹۱: ۲۰۵). «چشم و هم‌چشمی» نمونه دیگری از مهم‌ترین عوارض رشد‌گرایی محض در اقتصاد سرمایه‌داری است. با محور قرارگرفتن ثروت در نظام سرمایه‌داری، صرفاً بر خورداری از آن کافی نیست بلکه آنچه

معنوی به صورت درون‌زا بر هر دو متغیر K و L به لحاظ کمی و کیفی اثرگذار خواهند بود.

اگر مجموعه عناصر سرمایه معنوی^۱ را با حرف S نشان دهیم، آنگاه خواهیم داشت:

$$S = S(M, T, R, G, C)$$

متغیرهای سرمایه معنوی: S = S(M, T, R, G, C) که در آن کاهش مخاطرات اخلاقی (M)، افزایش اعتماد عمومی (T)، کاهش هزینه‌های خطرپذیری (R)، افزایش بهره‌وری نیروی انسانی (H)، کاهش هزینه‌های بخش عمومی (G) و هزینه‌های صرف شده برای تشکیل و ارتقاء سرمایه معنوی (C) را تشکیل می‌دهند. بنابراین خواهیم داشت:

$$\frac{\partial S}{\partial M} \geq 0, \frac{\partial S}{\partial T} \geq 0, \frac{\partial S}{\partial R} \geq 0, \frac{\partial S}{\partial H} \geq 0, \frac{\partial S}{\partial G} \geq 0, \frac{\partial S}{\partial C} \leq 0$$

توجه به این نکته ضروری است که با توجه به ماهیت

سلبی و ایجابی سرمایه معنوی تمامی مؤلفه‌های ایجابی سرمایه معنوی با تغییر ماهوی به آثار سلبی تبدیل خواهد شد. آنچه در درجه نخست از اهمیت فراوان برخوردار است ماهیت سرمایه معنوی است که این مسئله در جهت علامت نامعادلات فوق تأثیر جدی خواهد داشت. به ویژه آنکه در این طیف سرمایه همان عنصری است که ثروت، سود، مزیت یا قدرت را در اختیار انسان قرار می‌دهد و سرمایه معنوی نیز عنصری برای خلق ثروت، سود، مزیت یا قدرت برای انسان است؛ بنابراین سرمایه معنوی را مجموعه‌ای از منابع برگرفته از دین و در دسترس برای استفاده در توسعه اقتصادی و سیاسی تشکیل می‌دهد. این امر به صورت ویژه ای اثرگذاری سازنده سرمایه معنوی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ همین ویژگی بسیار مه است که تحلیل و محاسبه سرمایه معنوی را در مدل‌های رایج رشد بسیار مشکل و گاه ناممکن ساخته است. به طور خاص از نظر موافقان، توسعه نیاز به رشد اقتصادی دارد. رشد هم نیاز به محرکی کارآفرینانه؛ کارآفرینی فقط در جایی وجود دارد که آزادی عمل با مسئولیت شخصی همراه باشد. این سرمایه معنوی است که با نیروی مبتنی بر ایمان این امکان را فراهم می‌سازد (روزولت^۲، ۲۰۱۴: ۴۶۳).

3. Tyndale
4. Eisenstein

1. Spirituality
2. Roosevelt

سرمایه‌داری، نسبت میان این دو، نسبتی حقیقی و هویت‌مند است؟

فقدان مفهوم واحد و مشترکی در ادبیات سرمایه‌داری نسبت به معنویت و تنوع بیش اندازه و مفاهیم فراوان ارائه شده، اساساً چپستی و ماهیت مفهومی معنویت را فاقد اهمیت کرده است. این در حالی است که اهمیت و قدرت معنویت در تصمیم‌سازی‌ها و فراوانی تأثیر و تأثرات معنوی در حوزه اقتصادی، امکان چشم‌پوشی از عناصر معنوی را غیرممکن ساخته است. در چنین شرایطی ایجاد هم زیستی به‌عنوان راهکار اتخاذ شده برای استفاده از ظرفیت‌های بدون جایگزین معنویت برای رسیدن به منافع رشد اقتصادی بوده است؛ چرا که هرچند ماهیت حقیقی معنویت برای آنها مجهول است اما این به وجود علم اجمالی وجود دارد که نمی‌توان از ابعاد معنوی بشر غافل بود.

در واقع آنچه در نمودار «الف» به‌عنوان چرخه جریان اقتصادی نمایان است، چرخه ناقصی است که در آن از بیان عوارض منفی مادی و معنوی رشد اقتصادی صرف‌نظر شده است؛ نمی‌توان در چرخه مذکور، به‌سادگی از عوارض معنوی آن عبور و آن را نادیده گرفت؛ در حالی که رویکرد غالب بر ادبیات رشد اقتصادی، ارزش باری یا حتی اهتمام به بررسی کیفی رشد به‌طور جدی مطرح نمی‌شود. تصور اینکه نظریات و الگوهای رشد، از ارزش‌ها منفک و بی‌نیاز هستند، حقیقت را عوض نمی‌کند. در عین حال حتی نظریات رشد در ادبیات سرمایه‌داری نیز کاملاً ارزش بارند و در عمل ارتقای صرف سطح رفاه مادی را به‌عنوان بالاترین ارزش معرفی و ترویج می‌سازند.

آنچه در اندیشه موافقان برای استفاده ابزاری از معنویت مطرح است در واقع کوششی برای هضم معنویت در درون ساختار سرمایه‌داری تبدیل آن به عنصری سودافزا است. البته اگر در این مسیر تناقض و دوگانگی خاصی احساس شد، به‌سادگی بود و نبود تناقضات را ندید گرفته و از جایگزین‌های کاذب استفاده گردد. به بیان دیگر معنویت در پارادایم سرمایه‌داری زمانی از اعتبار و ارزش کافی برخوردار است که سود و منفعت مادی ایجاد کند و این مسئله نقطه‌ای کلیدی در بررسی چگونگی تأثیرات تأثر معنویت و رشد اقتصادی خواهد بود. این معیار به ارزش دوری انسان نیز گسترش پیدا کرده و انسان‌ها زمانی ارزش پیدا می‌کنند که به سبب مهارت و دانش

لازم است نشان‌دادن، ابراز و تظاهر به ثروت است و این تظاهر است که بیان‌کننده قدرت، توانایی و در یک‌کلام بهره‌مند بودن از آن چیزی است که در نظام سرمایه‌داری ارزش محسوب می‌شود؛ طبقه مرفه برای حفظ جایگاه خود، مصرف تظاهری را با این معیار برگزیده است که افراد عادی از آن محروم‌اند. این امر یک موضوع مرتبط با شأن اجتماعی، شهرت و برتر نشان‌دادن نسبت به دیگران است و ارتباطی با مفید بودن برای جامعه ندارد؛ بر این اساس ارزش افراد در یکی جامعه بر اساس بازتاب حرمتی است که دیگران به سبب اموال و دارایی‌های مشهود قایل می‌شوند. در نتیجه، اگر شخص به‌خاطر عدم توفیق‌ها در کوشش رقابت‌آمیز موردپسند جامعه، چنین حرمتی را به دست نیاورد، از فقدان حرمت نفس رنج خواهد برد. پس انگیزه تلاش بی‌وقفه در یک فرهنگ رقابت‌آمیز، ریشه در هراس از دست‌دادن حرمت نفس دارد. تنها افرادی که خوی استثنایی دارند و به ایمان دینی محکم مسلح هستند از این هراس در امان‌اند (وبلن^۱، ۱۳۸۳: ۶۰-۵۱). در این میان داشتن مال مشخص‌ترین گواه اعتبار دارنده آن به شمار می‌آید که احترام دیگران را برمی‌انگیزاند. به بیان هانت «در جامعه سرمایه‌داری آداب و رسوم غارتگری عموماً پنهان‌اند و آشکارا تحسین‌برانگیز نیستند؛ لذا سرمایه‌داران باید راهی برای اظهار قدرتشان بیابند. در این باره راه‌های مختلفی پیش‌رو دارند. برای مثال، معماری و تزئینات مسکن متمولین "پرزرق و برق‌تر و با اسراف متظاهرانه‌تری است تا مسکن عوام" هر آن چه قابل مصرف و برای مردم عادی قابل‌خرید باشد عامیانه و نازیباست» (هانت^۲: ۱۳۸۱، ۳۰۱). می‌توان گفت شاهبیت اندیشه مخالفان بر آن است که در کنار هدف رشد باید چیز دیگری با ماهیت مستقل مورد توجه قرار داد.

بررسی نگرش‌ها به روابط معنویت و رشد اقتصادی

برای بررسی اندیشه‌های ناظر به روابط معنویت و رشد اقتصادی در چارچوب سرمایه‌داری باید به این نکته مهم توجه داشت که معنویت در اندیشه اقتصاد سرمایه‌داری چگونه رابطه خود را با رشد اقتصادی تعریف می‌کند؟ آیا عنصری اصلی و اثرگذار محسوب می‌شود؟ آیا این رابطه یک‌طرفه و یک‌سویه است؟ آیا سیاست‌های رشد بر معنویت اثرگذارند؟ آیا در اقتصاد

1. Veblen
2. Hunt

نفسانی، از راهبرد تفکیک و خنثی‌سازی سوداها و هواهای نفسانی خطرناک با «هواهای نفسانی ترغیب‌کننده به صلح» استفاده شد. در واقع سعی شد تا برای فرار از تمایل جوامع به غضب ورزی، قدرت‌طلبی، شهوت‌رانی، جنگ و خونریزی به‌عنوان امیالی خطرناک، آنها با سودگرایی، حب مال و جمع‌آوری ثروت سرگرم شوند و این امر در اواخر قرن هفدهم توسط اندیشمندانی چون منتسکیو مورد ترویج قرار گرفت و به‌سرعت به‌عنوان پارادایم مسلط مورد قبول واقع شد (هیرشمن^۱، ۱۳۷۹: ۲۰-۹).

اثرگذاری معنویت بر رشد اقتصادی در اقتصاد سرمایه‌داری

از آنجایی که گستره جغرافیایی اقتصاد سرمایه‌داری غالباً تحت آموزه‌های دینی مذاهب مسیحی است، می‌توان دو روند کلی را در نحوه اثرگذاری معنویت بر رشد اقتصادی در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری بررسی کرد؛ روند نخست در صورتی است که فرض بر عدم تحریف معنویت از معنی اخذ شده از آموزه‌های مسیحیت است یا به‌عبارت‌دیگر هنوز فرایند شخصی‌سازی و استفاده ابزاری از معنویت رخ نداده و روند دوم در فرض استحاله معنویت در ظرف سرمایه‌داری است. برای بررسی اثرگذاری معنویت در فرض نخست، با احتساب اینکه معنویت در سطح مضمحل نشده و دارای مبانی دینی و مذهبی قرار دارد، باید درک صحیحی از مفهوم معنویت در آموزه‌های مسیحیت پیدا کرد. درک ماهیت معنویت مسیحی از آن جهت مهم است که ممکن است معنویت در قبال مباحث رشد اقتصاد سرمایه‌داری موضعی خنثی یا فعال داشته باشد.

بررسی سیر مفهومی معنویت از دیدگاه مسیحیت و نقد آن در حوصله و مجال این مقاله نیست اما بسیاری از سنت‌های دینی کلیسا و حتی سنت‌های فردی مسیحی توسط دیگران که در زمان حضور حضرت مسیح علی نبینا و آله و علیه‌السلام، مخالف سرسخت ایشان بوده‌اند، بنیان نهاده شده است. از این‌رو اتصال این تشریح تا عصر ایشان، با هیچ منطق علمی قابل توجیه نیست (ارزانی، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

آنچه بیشتر از مفهوم معنویت در ادبیات مسیحیت برداشت می‌شود، ساکن شدن روح‌القدس در نفس انسان‌هاست. از این‌رو وقتی گفته می‌شود فردی دارای معنویت است بدین مفهوم است که روح‌القدس (جبرئیل علیه‌السلام) در او و رفتارش تأثیر

خود بتوانند سودآوری و کارایی بالاتری داشته باشند. در خصوص سایر مواردی چون علم و دانش نیز این قاعده برقرار است؛ «تولید دانش» و «تحقیق و توسعه» از آن‌رو مفید است که سودآوری را افزایش خواهد داد. در این میان تلاش برای بهبود سرمایه انسانی به‌خاطر خود انسان‌ها و کرامت آنها نیست بلکه از آن جهت است که شاخص‌های رشد را بهبود می‌بخشد.

بدیهی است در نگرش ابزارگرایانه اگر معنویت، اخلاق، عرفان بتواند رشد مادی را افزایش دهد، مطلوب بوده و بازار خاص خود را پیدا خواهد کرد؛ اینجاست که می‌توان به کمک معنویت‌گرایی‌های نوپدید، غیردینی و شخصی‌سازی معنویت بر اساس منافع و خواسته‌ها، بازاری موجه، مطابق با میل مصرف‌کننده ایجاد و با افزایش ضریب موفقیت ایجاد کرد. به همین سبب دلالت‌های جدید از معنویت، با عمر کوتاه خود برگرفته از برخی از مکتب‌های فکری قرن نوزدهم و بیستم به‌ویژه رمانتیسم و روان‌شناسی انسان‌گرایی است؛ نظام سرمایه‌داری موفق شده تا حدی مفاهیم متناسب با مقاصد خود را در این واژه گنجانده و بستر کالاسازی را فراهم سازد (شاکر نژاد، ۱۳۹۱: ۹۲). اگر بخواهیم قدری عمیق‌تر به موضوع نگاه کنیم می‌توان این پرسش را مطرح کرد که نگرش موجود در قرن نوزدهم و بیستم نسبت به معنویت زاییده چه حوادث و رخدادهای فکری و تاریخی در گذشته است، باید اتفاقات مهمی که در قرن هجدهم، قبل از ظهور سرمایه‌داری و به‌طور خاص نگرش کتاب ثروت ملل توسط اسمیت را مدنظر قرارداد (کشاورز شکر، ۱۳۸۰: ۲۳).

توجه به ایده «همه‌کارکننده بودن منافع برای هواهای نفسانی» روند تاریخی شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری را شفاف‌تر می‌سازد. این ایده که توسط هیرشمن و با نگاهی متفاوت نسبت به مارکس و وبر نسبت به سرمایه‌داری مطرح شد، بر تحول آرام و مستمر در روند پیدایش سرمایه‌داری تأکید می‌کند؛ بر این اساس از آنجایی که در دوران رنسانس مواعظ و اندازهای اخلاقی و عرفانی رفته‌رفته مورد بی‌توجهی قرار گرفت و عملاً کارکرد خود را برای کنترل هواهای نفسانی از دست داده بود، نظریات جایگزینی برای کنترل آنها مطرح شد. این نظریات شامل سه دوره سرکوبگری، مهار و در نهایت تفکیک میان هواهای نفسانی به دو گروه بی‌ضرر و خطرناک بود. با عدم موفقیت دو نظریه نخست در کنترل هواهای

دنیوی نبود (همتیان، ۱۳۸۵: ۴۴) و از همین مسیر مفهوم معنویت نیز باید با شرایط جدید منطبق می‌شد.

آنچه در تحلیل برای نحوه اثرگذاری معنویت بر رشد اقتصاد سرمایه‌داری از اهمیت برخوردار است، همین مفهوم تحریف شده از معنویت - به‌عنوان مفهومی که در جوامع سرمایه‌داری به‌عنوان معنویت مسیحی شناخته می‌شود - است. ایجاد بازارهای بزرگ برای فعالیت‌های به‌اصطلاح معنوی مانند مدیتیشن، یوگا، انرژی‌درمانی و انواع و اقسام سیطره‌های نوظهور معنوی بر روان انسان‌های هدف در بازارهای هدف محقق شده است. به‌عبارت‌دیگر هم صرف توصیه‌ای بودن فرامین معنوی در جوامع تحت سیطره سرمایه‌داری و هم سوءاستفاده‌های مفهومی موجب به حاشیه رانده شدن معنویت دینی مسیحی و وسیله قرارگرفتن برای اهداف مادی شده است؛ بنابراین از یک سو نمی‌توان به دلیل ضعف معنویت دینی (به دلیل توصیه‌ای بودن و تحریف) تأثیر و تأثر آن را با رشد اقتصادی قابل بررسی شمرد و از سوی دیگر باید بیان کرد که معنویت کالا سازی شده همانند بسیاری دیگر از کالاها و خدمات دیگر بازار خاص خود را پیدا کرده و به سهم خود آب در آسیاب رشد اقتصادی مدنظر سرمایه‌داری می‌ریزد. به‌عنوان نمونه تنها در مورد یوگا، امروزه ارزش اقتصادی آن بیش از ۸۸ میلیارد دلار در سراسر جهان برآورد می‌شود و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ به ۲۱۵ میلیارد دلار برسد. نرخ رشد سالانه آن حدود ۱۲ درصد است؛ البته برآورد انجام شده تنها ناظر به سال‌های یوگا است؛ اگر ارزش اقتصادی خلوت‌خانه‌ها، لباس‌ها و سایر لوازم جانبی را محاسبه شود، ارزش بازار جهانی یوگا بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار است؛ یا در مورد مدیتیشن، تنها حجم گردش مالی یک برنامه کاربردی در سال ۲۰۱۸ به رقم ۱۳۰ میلیارد دلار رسیده است.^۲

رویکردهای این دوره بیانگر این امر است که در فرض اول نسبت به مفهوم دینی معنویت در مسیحیت، آموزه‌های رهبانی گرا، بدون برخورداری از مبانی اصیل وحیانی متناقض و بازدارنده نسبت با رشد اقتصادی ایفا می‌کرد. این رویکرد مقدمه‌ای سبب‌ساز برای رویکرد دوم به معنویت در نظام سرمایه‌داری و از بنیان اصلی شکل‌گیری آن محسوب

می‌گردد. این مفهوم حتی تا جایی در میان اصحاب کلیسا در میان ارباب کلیسا رایج است که امروزه بسیاری از راهبان برای نشان‌دادن معنویت خود ادعای ارتباط با روح‌القدس و به‌نوعی ادعای دریافت الهام مستقیم می‌کنند و با توجه به اعتقاد تثلیثی خود، روح‌القدس را حامل پیام‌های خدای متعال یا مسیح علی نبینا و آله و علیه‌السلام می‌دانند. در همین راستا قرن بیستم آستان نهضتی تحت عنوان معنویت مسیحی بود که در ایتالیا شکل گرفت. این نهضت از افکار فیلسوف ایتالیایی به نام جنتایل^۱ (۱۸۷۵-۱۹۴۴) منشعب می‌شد. وی عملی را خالص و واقع‌گرای حقیقی می‌شمرد که از سوی روح‌القدس القا و با فاعلیت انسان‌ها به فعلیت می‌رسد (سقای بی‌ریا، ۱۳۸۷: ۷۷). از نظر مسیحیت دستیابی به معنویت از طریق انجام مناسک دینی، محبت به حضرت مسیح علی نبینا و آله علیه‌السلام، رهبانیت به معنای گریز از دنیا و مطامع دنیوی، تفکر و تأمل (به نحو کلی) و خواندن کتاب مقدس، خدمت به خلق خدا و پیروی از آموزه‌های اعتقادی میسر است (ارزانی، ۱۳۸۸: ۱۵۹). صرف‌نظر از جنبه شرک آلود مفهوم معنویت در معنای دینی آن در مسیحیت می‌توان بن‌مایه‌هایی از یک مفهوم منسجم و دارای هویت واحد را در مسیحیت نسبت به معنویت یافت هر چند مسیحیت دچار انحرافات متعددی شده است اما با این حال مفهوم معنویت رها و بدون مبنی نبوده است اما به تدریج با تحریف آموزه‌های وحیانی مسیحیت به‌ویژه کتاب مقدس، در عمل امکان دستیابی به ماهیت ارائه شده در منابع اصیل مسیحیت وجود ندارد.

مسیحیت انحرافی مبدأ اصلی معنویت زدایی و ایجاد نظام سرمایه‌داری است؛ سخت‌گیری‌های بدون پشتوانه در مسائل مذهبی، مخالفت شدید با علوم طبیعی، ضربه‌پذیری مبانی دینی به سبب نقصان‌های ژرف ایجاد شده پس از انحراف در برابر سایر مکاتب به‌ویژه فلسفه یونان، استفاده ابزاری از احکام تحریفی برای مقاصد شخصی و از همه مهم‌تر رویکرد رهبانیت نادرست به دنیا و توجه افراطی به آخرت‌گرایی خود تعریف شده از این جمله‌اند. در این میان واکنش‌ها به این رویکردها چیزی جز توجه افراطی به لذت‌جویی و مادی‌گرایی، جایگزینی خدامحوری با انسان‌محوری، مطرح ساختن پلورالیسم و قرائت‌های متعدد از مفاهیم دینی برای فرار از شریعت، علم و تجربه زندگی، تنوع‌گرایی و ایجاد زرق‌وبرق

2. <https://www.wellnesscreatives.com/yoga-industry-trends/#market>

3. <https://www.factmr.com/report/3075/mindfulness-meditation-apps-market>

1. Giovanni Gentile

می‌شود.

(کاسر^۲، ۲۰۱۱: ۲۰۴). تجربه تبدیل مفهومی معنویت به معنویت سرمایه‌داری که ناشی از تشتت معنایی و شخصی‌سازی آن در نظام سرمایه‌داری بود، در دهه‌های ۱۹۸۰، تجربه نسبتاً موفقی برای افزایش سودآوری و بهره‌کشی از لشکر معنویت به اردوگاه سودافزایی و رشد اقتصادی بود. در ضمن نباید از این نکته نیز غفلت کرد که به سبب وجود بن‌مایه فطری و ذاتی معنویت در خلقت انسان‌ها، انصراف و چشم‌پوشی از آن امکان‌پذیر نبوده و نیست. اندیشمندان و نظریه‌پردازان سرمایه‌داری به‌خوبی از وجود این قدرت و گستره معنویات در انسان‌ها آگاهی داشتند. اما مسئله اینجا بود که در اندیشه سرمایه‌داری، بعد معنوی نیز برای بقا تنها یک مسیر پیشرو دارد و آن هم استفاده حداکثری از گستره و قدرت معنویت در مسیر نفع‌طلبی است. از این رو شاید در مواجهه با بعد معنوی انسان‌ها بهترین راه سواری مجانی از این نیروی عظیم برای اهداف نظام سرمایه‌داری است (اوجلی، مورفی و مشیرزاده، ۱۳۷۳: ۱۷۹).

شاید نزد بیشتر اقتصاددانان این تفکر رایج است که حرص و طمع نسبت به سود مادی و دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر در قبال نادیده انگاشتن ابعاد معنوی انسان، گناه و رذیله کوچکی است. اقتصاددانان غالباً نظریه‌هایی ارائه می‌کنند که ناظر به توضیح چگونگی رفتار افراد است اما هیچگاه یا بسیار کم به این می‌پردازند که افراد به چه انگیزه‌هایی به فعالیت می‌کنند. به نظر می‌رسد حرص و آز بی حد و مرز برای رسیدن به مادیات امروز به‌عنوان یک مانع جدی در پیشرفت مدنی و اخلاقی ما تلقی می‌شود (زاماگنی^۳، ۲۰۱۱: ۲۱۲). حرص و تلاش محض برای رشد مادی صرف، با ایجاد عدم توازن در عرصه‌های گوناگون، پایداری تمدن‌ها را تهدید می‌کند (زاماگنی^۴، ۲۰۱۱: ۲۰۱). از این رو باید از طریق ارزش‌ها و ساختارهای اخلاقی جایگزین "مبانی و اهداف توسعه" شود و یک چارچوب معنوی برای جامعه جهانی ایجاد گردد. کیفیت زندگی مهم‌تر از رفاه اقتصادی است که توسط ناخالص ملی اندازه‌گیری می‌شود (رز و لنوکس^۴، ۲۰۱۱: ۲۱۹).

در فرض دوم معنویت با امکانی که برای شخصی‌سازی در آن به وجود آمد، ابزار خوبی برای رهایی از احکام تحریف شده و ضد حیات مادی نشان داد و همین امر مشرب بسیار خوبی برای کنار نهادن شریعت مسیحی و سپس ابزار قراردادن معنویت برای رشد مادی بیشتر شد. در هر دو فرض، به دلیل فقدان مفهومی مستقیم و مستحکم از معنویت که منطبق بر فطرت و خلقت اصیل بشری باشد، معنویت سرمایه‌داری هیچگاه نتوانسته رابطه‌ای مثبت برای زندگی مادی یا حتی غیرمادی ایجاد کند. قرار داشتن در سوی تفریط یا در سمت افراط سودی به حال بهبود اوضاع بشری نداشته است.

پس از رنسانس و انقلاب صنعتی، با فاصله‌گرفتن از معنویت و نادیده انگاشتن آن نقطه‌ضعف بزرگی برای جوامع تحت سیطره سرمایه‌داری ایجاد شده است که خواسته یا ناخواسته معنویت حقیقی گم‌شده خود را نمی‌یابند یا از پذیرش آن طفره می‌روند. اقتصاددانان رفتاری معتقدند که بحران‌های مذکور ناشی از یک سری رفتارهای غیرعقلانی و سوء روان‌شناختی در رفتار فعالان اقتصادی (وام‌گیرندگان، طراحان وام، بانک‌های سرمایه‌گذار، شرکت‌های رتبه‌بندی، تنظیم‌کننده‌ها و سرمایه‌گذاران نهایی) است. با این حال، این عوامل روان‌شناختی و رفتاری، تحولات درونی و معنوی عمیق‌تر و گسترده‌تری را در بردارند که در انسان به طور فزاینده رشد می‌کند. اگر از نگرشی معنوی سود ببریم خواهیم دید که گویا نوعی مسابقه فاشیستی بی‌پایان برای غلبه بر هرگونه محدودیت موجود در مسیر به‌دست‌آوردن پول بیشتر و بیشتر در این بحران نمایان است. در واقع این بحران‌ها حاصل اعتیاد به جمع‌آوری ثروت و پیروی از توهمات است که بدون مسئولیت‌پذیری، هرگونه مانعی را از مسیر سودآوری کنار می‌زند (هول^۱، ۲۰۱۱: ۱۹۷).

در واقع ارزش‌های ماتریالیستی به بازتابی از اولویت‌های افراد در جمع‌آوری پول و ثروت تبدیل شده است؛ هرچه بیشتر مردم به اهداف مادی‌گرایی توجه داشته باشند، تمایل بیشتری به اهداف معنوی پیدا نمی‌کنند. هرچه افراد اهداف مادی‌گرایانه را بیشتر در اولویت قرار دهند، بهزیستی شخصی آنها پایین‌تر و احتمال مشارکت آنها در دست‌کاری رقابت‌های سالم و انجام رفتارهای پست و غیرانسانی افزایش می‌یابد

2. Kasser
3. Zamagni
4. Rosé & Lépineux

1. hoevel

اثرگذاری رشد اقتصادی بر معنویت در اقتصاد سرمایه‌داری

علاوه بر پیامدهای اقتصادی عناصر معنوی باید پیامدهای معنوی سیاست‌های رشد اقتصادی را هم مدنظر قرارداد؛ پس از کاهش محدودیت‌ها و کاهش مقررات در نظام بازار در دوره دو تن از سران نظام‌های تحت سیطره سرمایه‌داری، یعنی مارگارت تاچر و رونالد ریگان و ظهور نئولیبرالیسم به‌عنوان نظریه غالب معاصر، عناصر و مفاهیم فرهنگی نیز سر از سازوکار بازار درآورده و خود به‌سان کالا نمایان شدند. شاید برای نخستین بار در تاریخ بشریت، این اقتصاد بود که شروع به دیکته کردن شرایط بیان برای بقیه شئون اجتماعی می‌کرد. اتفاقی که از نظر اجتماعی تا حدی بی‌سابقه بود؛ این اقتصاد بود که دستورالعمل‌ها را به بخش‌های فرهنگی و سیاسی دیکته می‌کرد. اقتصاد در صدد تسلط بر ابعاد معنوی فردی و اجتماعی بود. این تسلط در گذشته از سوی نهادهای فرهنگی و دینی و سنت‌های حاکم بر جوامع و افراد اعمال می‌شد اما در این شرایط، «معنویت» -با مفهوم دست‌کاری شده و تحریفی- به یکی از راه‌های شکل‌دادن به انگیزه‌های فردی تبدیل شد. این رخداد خبر از تغییری بسیار مهم در فضای اقتصادی می‌داد؛ اگر در گذشته لیبرالیسم آزادی فردی را فریاد می‌زد و در بازار، مصرف‌کننده در انتخاب مسیر خودمختار بود، اکنون خواه‌ناخواه به یک مصرف‌کننده تحت رهبری و فرمان شرکت‌های تحت رقابت در بازار تبدیل شده بود (کارتی و کینگ^۱، ۲۰۰۴: ۴۵).

با وسیله قرارگرفتن عناصر غیرمادی برای اهداف مادی و سود محور، بسیاری از آرمان‌های معنوی مانند آزادی، عدالت، فعالیت‌های خیرخواهانه، آیین‌های عبادی، سنت‌های قومی و ... که سهم‌خواهی مادی را دنبال نمی‌کردند، مورد بازتعریف قرار گرفته و با مفهومی نو، به‌تدریج در صورت عدم برخورداری از توجیه اقتصادی از معنی تهی شدند. با سلطه مادیات بر ساحت معنوی انسان و بازتعریف معنویات در قالب مادیات، نهادهای اقتصادی رشد گستر و سود محور، طبقات پایین را تا جایی از ابزار معیشت بخورونمیر و از مصرف محروم می‌کنند تا همواره تداوم ساختار نهادی به نفع سرمایه‌داران تضمین گردد (متوسلی، ۱۳۸۲: ۴۰۳). بدین‌سان اموری که توجیه اقتصادی ندارند و با نفع‌طلبی مادی هماهنگ نیستند،

به‌تدریج رنگ کهنگی به خود می‌گیرند و این‌گونه اقبال به معنویات با سرعت قابل‌توجهی جای خود را به مادیات خواهد داد (آجیلی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۲۶-۲۴). البته این سرعت رنگ‌پذیری به شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی و سیاسی وابستگی بسیار دارد. ۹۵۶۲۰۳۳

نتایج بهره‌کشی از معنویت در نظام سرمایه‌داری را می‌توان در زمینه‌های آموزشی، پزشکی و بنگاه‌های اقتصادی مشاهده کرد. از دهه ۱۹۸۰، ظهور و بروز معنویت در تمام شئون زندگی اجتماعی مانند بهداشت و درمان، آموزش و مهم‌تر از همه، عالم تجارت به طور ویژه مشهود است. از این دوره کوشش شده تا معنویت با هر چیزی ترکیب شود؛ این کار ظاهری فرهنگی، انسانی و مثبت دارد اما به جهت فقدان معنی مشخص در معنویت سرمایه‌داری، سازوکارهای برنامه‌ها به نحوی طراحی شده است تا بازتاب مفاهیمی چون خصوصی‌سازی و سرمایه‌داری را در هر امری که در ظاهر در مسیر رشد و پیشرفت و تعالی بشری است نمایان سازد. در ادبیات این دوره از یک سو از معنویت به‌عنوان فضیلتی «جامع» و «اخلاقی» تجلیل می‌شد و از سوی دیگر مطابق با جهان‌بینی اقتصادی نئولیبرالیسم، «رفع محدودیت از بازار» دنبال می‌شد. نتیجه این کار، رهایی از شریعت دینی به‌عنوان یکی از عوامل محدودکننده بازار با استفاده از ابزار معنویت بود؛ این کاربردها اغلب در بستری از جغرافیا رخ داده که تحت‌تأثیر آموزه‌های مسیحی بوده‌اند اما استفاده از این واژه علیه ماتریالیسم، سلطه استعمار، تعصب‌های مذهبی و پیروی از رسوم، همه مواردی هستند که از این مفهوم در مباحثات و گفتگوهای اجتماعی مهم استفاده شده است (کارتی و کینگ، ۲۰۰۴: ۴۷).

از طرفی استفاده دولت‌ها از اشکال مفهومی چندگانه دینی و غیردینی، سکولار و شریعت مدار، امکان استفاده تجاری از معنویت را بیش از پیش فراهم ساخته است. این امر با محدودسازی معنویت در امور فردی و تقلیل کارکرد اجتماعی آن دولت‌ها را از لزوم تطبیق خود در قبال معنویت دینی که کارکردهای اجتماعی فراوانی دارد، خلاص می‌کند. با این ترفند می‌توان حتی در سطح جامعه اموری را معنوی نامید که دولت‌ها نیاز به بزرگ‌نمایی آنها دارند و نقصان‌ها و قصور خود را مخفی سازند. در سایه مفهومی از معنویت که در ادبیات اجتماعی سرمایه‌داری ترویج می‌شود، می‌توان در کنار

معنویت سرمایه‌داری نبوده باشد ولی به سبب گستردگی و عمق نیروی معنویت، پیامدهای مذکور را به دنبال داشته و دارد. به نظر می‌رسد بزرگ‌ترین کاری که در این بعد در نظام سرمایه‌داری صورت گرفته است، همان معنی‌زدایی از معنویت‌های دارای معنی، مانند معنویت‌های دینی یا حتی سنتی است؛ این مهم پس ایجاد بی‌هویتی در جوامع دارای هویت، زمینه‌ساز حکومت ارزش‌های سرمایه‌داری را فراهم و از این مسیر خود را به طبقه حاکم، دارای ثروت و قدرت روزافزون و جوامع تحت سلطه را به اقتصادهایی وابسته، عقب‌مانده، کم‌نفوذ و تابع تبدیل کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

تمرکز بر کسب حداکثری رشد اقتصادی در نظام سرمایه‌داری مورد اهتمام سیاست‌ها است. رشد‌گرایان رشد اقتصادی را عامل افزایش مصرف، سرمایه‌گذاری بالاتر در خدمات عمومی، ارتقا قدرت بین‌المللی، کاهش بیکاری و موارد مشابه می‌دانند و در مقابل مخالفان عواقبی چون تورم‌زایی، ایجاد کسری حساب‌های جاری، افزایش نابرابری درآمدی و هزینه‌های اجتماعی و آسیب‌های وابسته علت مخالفت خود با این رویکرد بیان می‌کنند. البته سواى نحوه نگرش الگوها در فرایند تحلیل رشد، دغدغه اصلی مخالفین رشد محوری نیز از جنس مسائل و هزینه‌های مالی و افزایش هزینه‌هاست. این در حالی است که وجود مشکلات و آسیب‌های اجتماعی نیز به سبب خلق هزینه‌های هنگفت قابل چشم‌پوشی نیست.

تداوم این نگرش، جوامع سرمایه‌داری را دچار تغییر الگوها از تأمین نیازها به پوشش مصارف تظاهری کرده و بسیاری از منابع صرف تلاش برای نشان دادن ثروت به‌عنوان عامل برتری و قدرت شده است. این نظام ارزشی به امور معنوی نیز تسری پیدا کرده و به‌ویژه در دهه‌های اخیر، تلاش‌های فراوانی صورت گرفته تا با تغییر ماهیت معنویت، از امری الهی و غیرمادی به عنصری سرمایه‌ای، بتوان معنویت را نیز به‌عنوان متغیری سرمایه‌ای در تحلیل‌های درون‌زای رشد وارد کرد. قوت و قدرت این نگرش توانسته است ارزش‌های انسانی را ضدارزش و سودآوری را ارزش برتر معرفی کند؛ این امر با تسری در امور معنوی مختص شأن و مقام و منزلت انسان، با تلاش در کالاسازی آنها نگرشی بازاری برای آنها فراهم ساخته است.

برخورداری از امکانات لوکس و پرهزینه، معنویت مخصوص به خود را نیز داشت. در چنین فضایی، مصرف‌گرایی دیگر چالشی در مقابل حساسیت‌های سنتی و دینی نیست. این نوع معنویت به شما این اجازه را می‌دهد که همه امکانات را برای خود بخرید و به ارتباط فعالیت شرکت‌ها و بازار مکاره آنها با فقر و بی‌عدالتی کاری نداشته باشید. تا زمانی که احساس خوبی داشته باشید و بتوانید دنیای معنوی خصوصی خود را در آغوش بگیرید، از زندگی خود با حمایت شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات در نظام سرمایه‌داری لذت ببرید. شما می‌توانید راهی برای خوشبختی خود با معنویت سرمایه‌داری که خاص خود شماست بخرید و به بالاترین موفقیت‌ها در کسب‌وکار مرتبط باشید. معنویت شما را به بازار ایجاد شده توسط شرکت‌ها دعوت می‌کند و تنها آنچه لازم است، میل به مصرف است (همان: ۵۱).

به طور خلاصه می‌توان اثرات سیاست‌های رشد در نظام سرمایه‌داری را در چند مورد مشاهده کرد:

- ۱- تغییر ماهیت معنویت از ماهیت دینی و شریعت محور به ماهیتی منصف
- ۲- استفاده از معنویت برای محدودیت زدایی از نظام بازار و حذف محدودیت‌های ناشی از ادیان و سنت‌ها
- ۳- ورود معنویت به بازار به‌عنوان کالای معنوی و ایجاد بازاری برای معنویت
- ۴- استفاده ابزاری از معنویت برای هدایت انگیزه‌ها به‌سوی اهداف راهبردی در راستای اصول موضوعه سرمایه‌داری
- ۵- محو یا کم‌رنگ کردن معنویت دینی و حقیقی و هویت‌بخشی همه‌جانبه به معنویت مادی
- ۶- استفاده از معنویت سرمایه‌داری برای نفوذ در خارج از مرزها برای چپاول و استعمار سایر کشورهای مبتنی بر معنویت دینی یا سنتی برای دسترسی کم‌هزینه‌تر به منابع آنها با هدف ایجاد رشد حداکثری خود
- ۷- ایجاد قدرت نرم و بسترسازی برای تحقق تضمین دوام و بقای نفوذ سرمایه‌داری در سایر نظام‌ها.

در ابعاد کلی و کلان می‌توان هر یک از موارد فوق را به‌وضوح در شواهد عینی عصر معاصر به‌عنوان نتایج سواری رایگان^۱ از بعد معنوی انسان‌ها مشاهده کرد. هرچند ممکن است برخی از اهداف از ابتدا مدنظر اندیشمندان و مروجان

1. Free riding

این توصیه‌ها شامل برخی از سفارش‌ها نسبت به پرهیز از ظلم، توصیه به صداقت و کمک به محرومین است که از قدرت التزام برخوردار نیست. به‌علاوه وضعیت رها شده معنویت منجر به آن شده است تا معنویت به‌طور جدی در خدمت سود محوری قرار گرفته و هرآنچه ممکن است در راستای معنویت ایجاد سود مادی و اقتصادی را فراهم کند مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

معنویت کالاسازی شده به‌عنوان کالا و خدمات مورد عرضه، و در آن سوی بازار، «آرامش» به‌عنوان کالا یا خدمت مورد تقاضا قرار دارد. هدف عرضه‌کننده کسب درآمد مادی است؛ اینکه آرامش عرضه شده چگونه است و چه اندازه از دوام و پایداری برخوردار است، نیازمند مباحث روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است اما همین اندازه می‌توان گفت که معنویت که در این فرایند تعریف و مورد عرضه و تقاضا قرار می‌گیرد، به سبب انقطاع از آموزه‌های وحیانی، هیچ‌گونه کارکردی تأمین سعادت پایدار جسمی و روحی انسان نخواهد داشت. تخصیص حجم بالای اقتصاد شکل‌گرفته در این بخش به سایر بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی نه‌تنها مانع از اتلاف منابع تخصیص‌یافته به معنویت‌های کاذب می‌شود بلکه به معنای کاهش معنادار زیان‌های بنیادین حاصل از گسترش معنویت‌های شخصی‌ساز است.

اصلی‌ترین اثر سیاست‌های رشد بر معنویت در ذیل اقتصاد متعارف تحریف و بازنویسی مفاهیم معنوی و استفاده ابزاری برای تسلط بر نیروی معنوی درونی انسان‌ها است. استفاده از معنویت برای محدودیت زدایی از نظام بازار و حذف محدودیت‌های ناشی از تقید به ادیان و سنت‌ها، استفاده ابزاری از معنویت برای هدایت انگیزه‌ها به‌سوی اهداف راهبردی در راستای اصول موضوعه سرمایه‌داری، استفاده از معنویت سرمایه‌داری برای نفوذ در خارج از مرزها برای چپاول و استعمار و ایجاد قدرت نرم و بسترسازی برای تحقق تضمین دوام و بقای نفوذ سرمایه‌داری نیز در همین راستا قرار دارد.

در بستر تحریفات شدید آموزه‌های مسیحی و معنویت شخصی‌سازی‌شده، آموزه‌های رهبانی گرا، بدون برخورداری از مبانی اصیل وحیانی شرایطی را ایجاد کردند تا رشد اقتصادی و مؤلفه‌ای آن مذموم و لازم الاجتناب تلقی گردد و این خود مقدمه‌ای برای تلاش نظام سرمایه‌داری در ایجاد تغییرات دلخواه در آن شد. به‌عبارت‌دیگر رشد اقتصادی تحت سیطره نظام ارزش‌گذاری در اقتصاد متعارف ابزاری برای ارتقا معنویت در بعد کلان فراهم نساخته است بلکه این سرمایه‌داری است که به‌خوبی از معنویت به‌عنوان ابزاری برای اهداف سود محور بهره برده است.

در این شرایط آموزه‌های مسیحی در حد برخی از توصیه‌ها و تذکرات اخلاقی غیر الزام‌آور محدود شده است.

منابع

- ارزانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۸). معنویت مسیحی. فصلنامه اخلاق، ۱۶۰-۱۳۰، (۱۸)۵.
- اوجلی، انریکو؛ مورفی، کریگ و مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۳). "کاربرد دیدگاه گرامشی در روابط بین‌الملل با نگاهی به رابطه ایالات متحده با جهان سوم". راهبرد، شماره ۵، از ۱۷۹-۲۰۸.
- آجیلی، هادی و کاظمی، حجت (۱۳۹۵). "نظام سرمایه‌داری؛ برسازای هویت مطلوب و تأثیر آن بر جامعه ایرانی". جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۸، شماره ۱، ۳۰-۱.
- پاسبانی صومعه، ابوالفضل و متوسلی، محمود (۱۳۹۱). "مصرف تظاهری در آرای تورستین وبلن و موضوع پس‌انداز". تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۷، شماره ۹۸، ۲۴۱-۲۰۵.
- تودارو، مایکل (۱۳۸۷). "توسعه اقتصادی در جهان سوم". ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، چاپ هشتم.
- سقای بی‌ریا، محمدناصر (۱۳۷۸). "نقش معنویت در زندگی و میدان رزم". حصون، شماره ۱۶، از ۷۷-۱۰۰.
- شاکرنژاد احمد (۱۳۹۱). "روان‌شناسی غربی و پشت پرده معنویت". ماهنامه سیاحت غرب، پیاپی ۱۰۷، ۱۰۹-۹۲.
- عسگری، محمدمهدی و توحیدی نیا، ابوالقاسم (۱۳۸۶). "تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد و توسعه اقتصادی". دوفصلنامه جستارهای اقتصادی، دوره ۴، شماره ۸، ۱۲۱-۱۰۱.
- کشاورز شگری، عباس (۱۳۸۰). "منفعت مادی؛ مهارکننده هوای نفسانی". کتاب ماه علوم/اجتماعی، دی و بهمن، شماره ۵۱ و ۵۲، ۲۶-۲۳.
- متوسلی محمود (۱۳۸۲). "توسعه اقتصادی". سمت، تهران، اول.
- میرجلیلی، سید حسین و صفری، امید (۱۳۹۸). "رشد اقتصادی

همتیان اسحاقی، علیرضا (۱۳۸۵). "تحقیق و تاریخ: مسیحیت در غرب". کیهان فرهنگی، شهریور و مهر شماره ۲۳۹ و ۲۴۰، ۵۱-۴۴.

هیرشمن، آلبرت (۱۳۷۹). "هواهای نفسانی و منافع: استدلال‌های سیاسی به طرفداری از سرمایه‌داری پیش از اوج‌گیری". ترجمه محمد مال جو، نشر شیرازه، تهران.

Acemoglu, D. (2012). "Introduction to Economic Growth". *Journal of Economic Theory*, 147, 545-550.

Aldrige, S. Halpern, D. & Filzkpatrick, S. (2002). "Social Capital". *A Discussion Paper*, Performance & Innovation Unit.

Barro R. & McCleary R. (2003). "Religion and Economic Growth National Bureau of Economic Research". 1050 *Massachusetts Avenue Cambridge, MA 02138* May 2003.

Beck, C. (1986). "Education for Spirituality". *Interchange*, 17, 148-56.

Blanchard, O. (2000) *Macroeconomics*, 2nd edn., USA: *Prentice-Hall*.

Butterworth, E. (2011). "Spiritual Economics", 2nd edn, *Unity School of Christianity*, Unity Village, Mo.

Callois, J. M. & Angeron, V. (2004). "On the Role of Social Capital on Local Economic Development". *AES Conference*.

Carrette, J. & King, R. (2004). "Selling Spirituality: The Silent Takeover of Religion". *Routledge*. London.

Clugston, R. (2013). *The Earth Charter, Spirituality and Sustainable*, available in: www.iop.or.jp > Documents > 1626 > [155-170]Journal 26_Clugston.pdf.

Eisenstein Ch. (2011). "Sacred Economics: Money, Gift, and Society in the Age of Transition". *Evolver Editions*.

Glaesery, E. (2001). "The Formation of Social Capital, Harvard Univ. & NBER.

Hoevel, C. (2011). "Spiritual Meaning of the Economic Crisis, Handbook of Spirituality and Business, 197-203.

در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت". تهران، مرکز الگوی پیشرفت.

وبلن تورستاین (۱۳۸۳). "نظریه طبقه مرفه". ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، تهران.

هانت، ای کی (۱۳۸۱). "تکامل نهادها و ایدئولوژی‌های اقتصادی مالکیت و رسالت". ترجمه سهراب بهداد، تهران، آگاه.

Iannaccone, L. (1990). "Religious Practice: A Human Capital Approach". *Journal for the Scientific Study of Religion*, 29, 297-314.

Kasser, T. (2011). "Materialistic Value Orientation". in L. Bouckaert and L. Zsolnai (Eds.): *The Palgrave*.

Killpatrick, S. (2002). "Learning & Building Social Capital in a Community of Family Farm Business". *University of Tasmania*.

Liu A. (2003). "Index Correlation, Measurement Reliability and Biased Estimation.

Palmer, D. & Wong M. (2013). "Clarifying the Concept of Spiritual Capital". *Conference on the Social Scientific Study of Religion*, Chinese University of Hong Kong, 10-13.

Pettinger Tejvan:
<https://www.economicshelp.org/about-2>.

Roosevelt, M. (2014). "The Spiritual Capital". *Oxford Handbook of Christianity and Economics*.

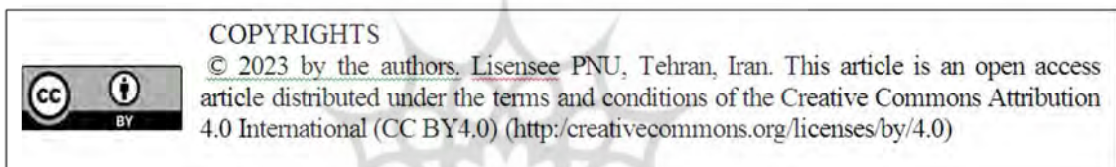
Rosé, J. J. & Lépineux, F. (2011). "Globalization" in L. Bouckaert and L. Zsolnai (Eds.): *The Palgrave Handbook of Spirituality and Business*. London: Palgrave-Macmillan, 219-226.

Sloman, J. (2001). "Essentials of Economics". 2nd edn. *England: Pearson Education Limited*.

Smulders, S. & Beugelsdijk, S. (2004). "Social Capital & Economic Growth". *Tilburg Univ*.

Solow, Robert M. (1956). "A Contribution to the Theory of Economic Growth". *The Quarterly Journal of Economics, Oxford*

- University Press*, 70(1), 65-94.
- Swinton, J. (2001). "Spirituality and Mental Health Care". *Jessica Kingsley*.
- Tillich P. (1988). "The Spiritual Situation in Our Technical Society". *Mercer University Press*, Macon, Georgia.
- Todaro, M. P. & Smith, S. C. (2011). "Economic Development. Eleventh Edition". *Essex Pearson Education Limited*.
- Tyndale, W. (2006). "Visions of Development: Faith-Based Initiatives Hampshire". *Community Development Journal* 43(2), 254-256.
- www.metanexus.net/archive/spiritualcapitalresearchprogram/about_overview.asp.html
Accessed 27 Sep. 2012. (own emphasis).
- Zamagni, S. (2011a). "Avarice" in L. Bouckaert and L. Zsolnai (Eds.): *The Palgrave Handbook of Spirituality and Business*. London: *Palgrave-Macmillan*.
- Zamagni, S. (2011b). "Civil Economy" in L. Bouckaert and L. Zsolnai (Eds.): *The Palgrave Handbook of Spirituality and Business*. London: *Palgrave-Macmillan*.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی